



روش‌های غارتگری ترکمن‌ها در دوره قاجار

خدیدجه اسدی^۱

جعفر آقازاده^۲

چکیده: ترکمن‌ها به سنت ایلات ساکن مرزهای خراسان با آسیای میانه، حملات غارتگرانه گسترده‌ای به مناطق شرق و شمال شرق ایران داشتند. با تشکیل حکومت قاجار و بروز عداوت و دشمنی میان قاجارها و ترکمن‌ها، این حملات تشدید شد و قاجارها نتوانستند امنیت پایداری در این مناطق ایجاد کنند. آنان در چپاول‌های خود اموال و احشام ساکنان را غارت می‌کردند و افراد ساکن در این مناطق را به بردگی می‌گرفتند. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این سؤال است که ترکمن‌ها از چه روش‌ها و تاکتیک‌هایی در حملات غارتگرانه به نواحی مختلف ایران بهره می‌گرفتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آنها حملات به ایرانیان را به عنوان جنگ مقدس قلمداد می‌کردند و از ابزارهای جنگی کارآمد از جمله اسب‌های ترکمن، نقشه حمله، مخفی‌کاری، خبرگیری و حملات غافلگیرانه بهره می‌گرفتند و با دقت و احتیاطی که در این راه به کار می‌بردند، درصد موفقیت خود را بسیار بالا می‌بردند.

واژه‌های کلیدی: ترکمن‌ها، غارتگری، برده‌گیری، آلمان، حکومت قاجار

10.22034.17.64.3

asadikhadijeh011@gmail.com

ORCID: 0009-0002-1252-3522

j.agazadeh@uma.ac.ir

ORCID: 0009-0005-2368-4884

۱. کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استاد تاریخ ایران، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Plundering Methods of Turkmen in the Qajar Era

Khadijeh Asadi¹
Jafar Aghazadeh²

Abstract: The Turkmens, following the tradition of the tribes and clans living on the borders of Khorasan with Central Asia, carried out extensive plundering attacks on the eastern and northeastern regions of Iran. With the establishment of the Qajar dynasty and the emergence of hostility and enmity between the Qajars and the Turkmens, these attacks were intensified, and the Qajars were unable to establish lasting security in these regions. In their attacks on the eastern and northeastern regions of Iran, the Turkmens plundered the property and livestock of the residents and enslaved the people living in such regions. The present study, using a descriptive-analytical method, aims to answer the question that “What methods and tactics the Turkmens used in plundering attacks on different regions of Iran?” The research findings show that they considered attacks on the Iranians as a holy war and used efficient military and combat equipment, including Turkmen horses, attack plans, stealth, intelligence, and surprise attacks. With the due necessary care and caution for this purpose, they increased their success rate, and the security and military forces of the Qajar dynasty were unable to confront them. Such an action was called “Alaman” and caused great damages.

Keywords: Turkmens, plundering, slavery, Alaman, Qajar dynasty.

10.22034.17.64.3

1. MA in History, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
asadikhadijeh011@gmail.com ORCID: 0009-0002-1252-3522
2. Professor of Iranian History, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
(Corresponded Author). J.agazadeh@uma.ac.ir ORCID: 0009-0005-2368-4884
Receive Date: 2024/12/01 Accept Date: 2025/03/30

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

ترکمنان اقوام ساکن آسیای میانه بودند که با مهاجرت خود به سمت جنوب آسیای میانه، با ایران هم‌مرز شدند و گروهی از آنان در برخی از ایالات و ولایات ایران که شبیه به محل سکونت خودشان بود، ساکن شدند. آنان در آغاز قدرت‌گیری ایل قاجار، در کنار آنان به مبارزه پرداختند و با روش قومی-قبیله‌ای خودشان که چپاول و غارتگری بود، به قاجارها یاری رساندند. پس از بنیان‌گذاری رسمی حکومت قاجار، عادت غارتگری آنان باعث ایجاد ناامنی در مناطق شرق و شمال شرقی کشور ایران شد؛ زیرا آنان با حملات خود با نام آلامان، مناطق ایرانی را غارت می‌کردند. تضاد اهداف و برنامه‌های آقا محمدشاه قاجار در تأمین امنیت پایدار با غارتگری ترکمن‌ها، سبب رویارویی دو طرف و سرکوب شدید ترکمن‌ها توسط وی شد. از همین زمان، علاوه بر اهداف غارتگرانه ترکمن‌ها در ایران، آنها کینه دولت قاجار را نیز به دل گرفتند و بیشتر به غارت مناطق ایرانی پرداختند. آنان با استفاده از اوضاع آشفتگی ایران و اشتغال دولت مرکزی به عوامل خارجی یا داخلی، همه‌ساله چندین بار به مناطق مختلف حمله می‌کردند و علاوه بر غارت احشام و اموال، مردم شیعی‌مذهب ایرانی را که در تضاد دینی با آنان بودند نیز به عنوان اسیر با خود می‌بردند و در بازارهای برده‌فروشی به فروش می‌رساندند. عامل موفقیت آنها در غارتگری، علاوه بر ضعف حکومت قاجار و ساختارهای امنیتی آن، اسباب، روش‌ها و تاکتیک‌های مورد استفاده ترکمن‌ها بود که سبب شده بود اغلب حملات آنان با موفقیت همراه باشد.

مسئله پژوهش حاضر شیوه‌ها و روش‌های غارتگری ترکمن‌ها در حملات به مناطق مختلف ایران است. علی‌رغم روشن بودن غارتگری‌های ترکمن‌ها در ایران دوره قاجار، درباره کیفیت آماده شدن آنان برای غارت، رهبران آنها، چگونگی حرکت و نزدیک شدن به اهداف و چگونگی حمله و غارت، بازگشت به میان ایل و تقسیم غنایم حاصل از غارت، ابهامات زیادی وجود دارد. این پژوهش به منظور روشن شدن ابعاد مختلف موضوع، به این سؤال پاسخ خواهد داد که ترکمن‌ها از چه روش‌ها و راهبردهایی در حملات غارتگرانه به نواحی مختلف ایران بهره می‌گرفتند؟ در پاسخ به این پرسش، چنین مفروض است که آنها حملات به ایرانیان را به عنوان جنگ مقدس و معنوی قلمداد می‌کردند و از ابزارهای جنگی و نظامی کارآمد استفاده می‌کردند و با دقت و احتیاط لازمی که در این راه به کار می‌بردند، درصد موفقیت خود را بالا می‌بردند.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم پژوهش‌های متعددی که درباره روابط قاجارها با ترکمن‌ها و همچنین تاریخ این قوم انجام گرفته، پژوهشی مستقل درباره روش‌های غارتگری‌های ترکمنان در دوره قاجار صورت نگرفته است. البته در برخی مطالعات، به گوشه‌هایی از این موضوع به صورت پراکنده و جزئی اشاراتی شده است. امین گلی در کتابی با عنوان سیری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها (۱۳۶۶) درباره خاستگاه و موطن اصلی ترکمنان، فرهنگ، زبان و دین ترکمنان بحث کرده و در قسمت‌هایی از پژوهش، به رفتارهای غارتگری ترکمنان به اختصار توجه کرده است. غلامحسین زرگری‌نژاد و نرگس علی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «ترکمن‌ها و بردگی ایرانیان در عصر قاجار» (۱۳۸۸) به نحوه اسارت ایرانیان به دست ترکمن‌ها و چگونگی رفتار با آنان اشاره کرده‌اند، اما به اینکه در چه حملاتی این افراد ایرانی و با چه شرایطی اسیر می‌شدند، پرداخته نشده است. مسعود مرادی و زهرا شعبانی در مقاله‌ای با عنوان «اسارت زوار ایرانی توسط ترکمنان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹م)» (۱۳۹۲) به علل تهاجماتی که ترکمنان به ایالات و ولایات ایران داشتند و اسارت ایرانیان توسط آنان پرداخته‌اند، اما به نحوه غارتگری و ابزار و شیوه‌های ترکمنان اشاره نکرده‌اند. مسعود مرادی و زهرا شعبانی در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی نقش روسیه و انگلیس در تهاجمات ترکمنان به ایران (سده ۱۹)» (۱۳۹۵) این ادعا را مطرح کرده‌اند که دولت روسیه تزاری برای جلوگیری از قدرتیابی دولت انگلستان در آسیای میانه، ترکمنان را به شورش تشویق می‌کرد. همچنین ناامنی شمال شرق ایران و ناتوانی دولت مرکزی ایران در مقابله با آنها، سبب درخواست کمک دولت ایران از روسیه و باعث قدرتیابی روس‌ها در این منطقه شد. در این پژوهش، به دلیل توجه به سیاست دو قدرت انگلیس و روسیه، به روش‌های حمله ترکمنان به مناطق ایران و غارتگری آنان به صورت کامل و گسترده اشاره نشده است. بنابراین موضوع آمادگی ترکمن‌ها برای حملات غارتگرانه، روش‌ها و شگردهای آنان در غارتگری، تجهیزات آنان و چگونگی فرارشان، مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته است.

۱. ترکمنان و دولت قاجار

ترکمن‌ها گروهی از اقوام ساکن آسیای میانه‌اند که اغلب مورخان آنان را از نژاد ترکان و مغولان دانسته‌اند. این قوم از قدیم‌الایام کوچ‌رو بودند و در یک نقطه و ناحیه معینی از مناطق

آسیای مرکزی زندگی نمی‌کردند و همیشه براساس مقتضای وضع و نیاز به مراتع جدید برای دام، در حرکت و کوچ بودند (سیمونیچ، ۱۳۵۳: ۱۱۹؛ Ferrier, 1860: 174-176). به خاطر محیط خشن و شیوه زندگی‌شان، تهیه معاش برای آنها بسیار سخت بود (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۳۵). بنابراین آنان بنا به دلایل گوناگون طبیعی و اجتماعی که در منطقه اصلی زندگی‌شان داشتند، شروع به مهاجرت به جنوب آسیای میانه کردند و تقریباً از پایان دوره فرمانروایی صفویان، به مرور در نواحی سرزمینی ایران مستقر شدند. البته استقرار قطعی آنان پس از مرگ نادرشاه افشار و در زمان حکومت زندیه تخمین زده شده است (عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۴: ۳۳؛ طاهری، ۱۳۴۸: ۱۲۰). ترکمنان در آن ادوار با استفاده از اوضاع آشفتۀ داخلی ایران و عدم وجود حکومت مرکزی قدرتمند، در برخی مناطق ایران همانند نواحی ساحلی جنوب شرقی دریای خزر، سواحل رود گرگان و اترک و برخی نواحی خراسان ساکن شدند (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۳؛ عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۴: ۴۷). در این دوران طولانی، حکومت‌های ایرانی نفوذی بر ترکمن‌ها و رفتارهای آنان نداشتند و به گرفتن مالیات و باج از بزرگان آنها بسنده می‌کردند (رایینو، ۱۳۶۵: ۱۵۰).

روابط ترکمنان با قاجارها از زمان شاه‌عباس اول صفوی (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ق) آغاز شد. وی گروهی از ایل قاجار را برای مقابله با هجوم و غارتگری ترکمنان، در استرآباد و گرگان ساکن کرد (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۵؛ دیولافوا، ۱۳۷۸: ۱۴۲). از این برهه به بعد، دو قوم قاجار و ترکمن در مقابل هم قرار گرفتند و اقدامات دفاعی و امنیتی قاجارها سبب شد از تعرضات و تهدیدات ترکمنان در آن دوره تا حدودی کاسته شود (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۰: ۱۰/۱؛ اجلالی، ۱۳۷۳: ۱۳). با توجه به فضای سیاسی جدیدی که پس از سقوط اصفهان (۱۱۳۵ق) در ایران ایجاد شد، این دو قوم به همکاری با یکدیگر روی آوردند که این همراهی در دوره فتحعلی‌خان، محمدحسن‌خان و سپس آقا محمدخان قاجار ادامه داشت (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۱۰؛ واتسن، ۱۳۵۴: ۵۱-۵۹؛ آوری و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۰).

پس از تاج‌گذاری آقا محمدخان، تمرّد و شورش‌های مکرر تراکمه و حملات مداوم آنان به مناطق شمال و شمال شرقی کشور همانند مازندران و خراسان ادامه یافت. بنابراین آقا محمدشاه در سال ۱۲۱۰ق. به منظور انجام وظایف شاهی و ایجاد امنیت (علیزاده بیرجندی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۳)، به استرآباد لشکرکشی کرد و به تنبیه و سرکوب شدید ترکمنان پرداخت

(اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۴۵-۵۰). پس از این واقعه، آتش دشمنی بین قاجارها و ترکمن‌ها برافروخته شد و روابط از صورت دوستانه قبلی، به‌طور خصمانه ادامه یافت (آصف، ۱۳۴۸: ۴۵۳؛ نوری، ۱۳۸۶: ۲۷۵).

فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰ق)، به‌طور مداوم با شورش ترکمن‌ها مواجه شده بود و آنها بیشتر از قبل دست به تهاجم، غارت، چپاول و اسیر گرفتن مردم در شهرها و روستاهای مختلف شرق و شمال شرقی ایران می‌زدند. (نوری، ۱۳۸۶: ۲۷۵؛ ذنبلی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). اشتغال ایران به جنگ با روسیه، باعث شده بود دولت فرصت پرداختن جدی به بحران ترکمن‌ها را نداشته باشد (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۳۶). گرچه در طول حکومت این شاه، همواره مقابله‌هایی با ترکمانان صورت گرفت، اما بزرگ‌ترین اقدام و لشکرکشی که به منظور تأدیب و تنبیه ترکمانان صورت گرفت، لشکرکشی عباس‌میرزا ولیعهد در سال ۱۲۴۷-۱۲۴۸ق/۱۸۳۴م. به سوی سرخس محل زندگی ترکمانان در خراسان بود. او پس از به اطاعت درآوردن سران سرکش خراسان، به سوی سرخس حرکت کرد. او ترکمن‌ها را به سختی شکست داد و دستور قتل عام آنان را صادر کرد (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۳۲؛ کمبل، ۱۳۸۴: ۷۷۴/۲). در نتیجه این پیروزی، عباس‌میرزا یک تعهدنامه سنگینی از ترکمانان گرفت که در آن ترکمانان موظف بودند بازرگانان ایرانی را که عازم آسیای میانه بودند، تا حدود سیحون نگهبانی کنند و مسئول سلامت آنان باشند. آنها همچنین تعهد کردند هیچ وقت با دلال‌های اسیران از هیچ ملتی معامله نکنند و ایرانیان را به اسارت نگیرند. از طرفی باج و مالیات خود را در موعد مقرر پرداخت کنند (کمبل، ۱۳۸۴: ۷۷۴/۲؛ واتسن، ۱۳۵۴: ۲۴۹؛ Yate, 1853: 301).

اقدامات عباس‌میرزا در برابر ترکمن‌ها، ضامن امنیت مناطق شمال شرقی تا پایان حیات وی گردید (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۴۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۳۲)، اما ترکمانان پس از مرگ عباس‌میرزا و حکمرانی محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) و نبود یک قدرت مقتدر در مقابلشان، دل و جرئت پیدا کردند و حملات خودشان را دوباره و با قدرت بیشتری از قبل انجام دادند (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۴۰؛ گرگر، ۱۳۶۶: ۲۴۰/۱؛ کجباف و هادیان، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در این دوره، ترکمانان در هر شورش و نبردی که در مقابل حکومت مرکزی قاجار اتفاق می‌افتاد، شرکت می‌کردند؛ از جمله شورش حضرت ایشان در استرآباد و شورش حسن‌خان سالار (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۵۳۰-۵۳۱؛ لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۰: ۸۷۰-۸۷۱؛ سایکس، ۱۳۹۱: ۴۹۰/۲). در سلطنت محمدشاه قاجار،

دولت ایران از روس‌ها درخواست کرد از کشتی‌های جنگی روس‌ها برای مقابله با دزدی دریایی ترکمن‌ها در دریای خزر استفاده کند؛ همین مسئله بهانه تصرف جزیره آشوراده توسط روس‌ها و بدون رضایت دولت ایران شد (کرزن، ۱۳۴۷: ۲۲۹؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۰؛ اینووه، ۱۳۹۰: ۷۸).

دوره ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) نیز حملات ترکمن‌ها ادامه داشت (سهام‌الدوله، ۱۳۷۴: ۴). در این دوره، هر اقدام و مذاکره صلح‌آمیز با ترکمنان نتیجه‌بخش نبود و نبردهای متعددی با ترکمنان صورت گرفت و بیشتر لشکرکشی‌های ایران در این زمان علیه آنان بود (آدمیت، ۱۳۶۲: ۶۰۲)، اما مهم‌ترین نبردی که برای کشور تعیین‌کننده بود، جنگ مرو در سال ۱۲۷۶ق. بود که طی آن، قشون ایران متحمل ضربات هولناکی شد و فرو پاشید (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۸؛ افشار آرا، ۱۳۸۰: ۵۳۷؛ Yate, 1853: 292). پس از این شکست، حکومت ایران دیگر هیچ‌گونه تلاش قابل توجهی برای مقابله با هجوم ترکمنان انجام نداد (طاهری، ۱۳۴۸: ۷۲).

روس‌ها در این دوره نیز با استقرار در جزیره آشوراده، فعالیت‌های ترکمن‌ها در دریا را محدود کرده بودند (نصر، ۱۳۶۳: ۳۴۹؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۷). بنابراین ترکمن‌ها درصدد گرفتن انتقام از روس‌ها بودند و سرانجام در بهار ۱۸۵۱م/۱۲۶۷ق. این فرصت مناسب به ترکمنان دست داد (سرنا، ۱۳۶۲: ۹۹). آنان در شب عید پاک و هنگامی که تمامی روس‌های ساکن در آشوراده به جشن و پایکوبی و عیش و نوش مشغول بودند و دور هم جمع شده بودند، از قایق‌های خود در جزیره پیاده شدند و به روس‌ها یورش بردند. روس‌ها کاملاً غافلگیر شدند و عده زیادی از آنها کشته و اسیر شدند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۷)، اما پس از ماجرای آشوراده و شکست ایران در جنگ مرو، روس‌ها به بهانه گرفتن انتقام حمله ترکمنان در عید پاک، ولی درواقع به خاطر تصرف منطقه مهم و سوق‌الجیشی آسیای میانه، شروع به پیشروی در آن منطقه و سرکوب ترکمنان کردند (براون، ۱۳۴۴: ۴۷۵). عاقبت طی معاهده آخال در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۱م، تمام مناطق آسیای میانه به روسیه واگذار شد (نصر، ۱۳۶۳: ۳۱۴). با این واقعه، از شدت تجاوزات ترکمنان به نواحی شمالی و شمال شرقی کاسته شد، اما به صورت کامل برطرف نشد (رضایی، ۱۳۹۴: ۵۹۸/۱۲).

۲. روش‌های غارتگری ترکمنان

۲-۱. تشکیل گروه آلامان

ترکمن‌ها به دلیل شرایط زندگی که داشتند، به زدوخورد و کشمکش با دنیای مجاور خو گرفته

بودند و غارت و چپاول همسایگانشان، به خصوص مناطق ایرانی را از کارهای عادی به حساب می‌آوردند (ادنوان، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۵۲۶). معاش ترکمن‌ها از طریق غارت و تهاجم به دست می‌آمد (بارنز، ۱۳۹۵: ۶۱) و به همین دلیل آنها دزدی و راهزنی را برای خودشان عیب نمی‌دانستند و هرگاه زمان مناسبی به دست می‌آوردند، اقدام به این عمل می‌کردند (موزر، ۱۳۵۶: ۲۰۴). دلیل حملات ترکمن‌ها به ایران متعدد بود؛ آنان علاوه بر دشمنی و روابط خصمانه‌ای که با حکومت قاجار داشتند، برای تهیه معاششان وابسته به غارت بودند. همچنین اختلافات مذهبی را یکی از عوامل حمله قرار داده بودند. آنان از تفاوت مذهبی به نفع خود سوء استفاده می‌کردند؛ ترکمانان سنی حمله به ایرانیان شیعه را به نوعی جهاد مقدس در راه خدا می‌دانستند که ثواب عظیمی برایشان در پی داشت (موزر، ۱۳۵۶: ۱۲۱). آنها ایرانیان را به دلیل شیعه بودن، کافر به شمار می‌آوردند و اسیر گرفتن و فروختن آنان را به عنوان برده مجاز می‌شمردند (وامبری، ۱۳۷۲: ۲۳۲). با این زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، آنان با تشکیل گروه‌های غارتگر به ایران حمله می‌کردند؛ این گروه‌ها با نام «آلمان» شناخته می‌شدند. آلمان به نوعی یک سفر برنامه‌ریزی شده و طبق نقشه برای غارت و هجوم به ماوراء مرزهای ترکمن‌نشین بود (سارای، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۴). اگر حمله بدون برنامه انجام می‌گرفت و به صورت هجوم ناگهانی بود، به آن «چپو» می‌گفتند (وامبری، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

شرکت در آلمان برای ترکمانان افتخار فوق‌العاده‌ای محسوب می‌شد؛ زیرا فردی که در این حملات عالی عمل می‌کرد، به شهرت و مقام بالایی می‌رسید و بقیه عمرش را به عنوان یک فرد مهاجم دلیر و شجاع شناخته می‌شد (بارنز، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۸). در برخی از این حملات، گاهی زنان نیز دوشادوش مردان شرکت می‌کردند (Yate, 1853: 294). گروه‌های آلمان تحت رهبری یک سردار که در کار خود ماهر و باتجربه بود، تشکیل می‌شد (بیت، ۱۳۶۵: ۱۹۱). در میان ترکمانان، به اینکه سردار تشکیل‌دهنده گروه چه سن و سالی داشت توجهی نمی‌گردید، بلکه بیشتر به قدرت و توانایی رهبری، شجاعت در جنگ، راهنمایی موفق گروه برای پیروزی توجه می‌کردند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۳). در مجموع، قاعده و روش آلمانی ترکمن‌ها بر دو روش بود:

۱. در شیوه نخست، آلمان با تصمیم رؤسای قوم انجام می‌گرفت و با تصمیم ریش‌سفیدان ایل، سرداری برای آلمان انتخاب می‌شد و بقیه افراد با هدایت وی به غارت می‌رفتند. گاه تعداد افراد حاضر در این نوع آلمان، به دوهزار نفر و بیشتر هم می‌رسید.

۲. در نوع دیگر، خود سردارها تصمیم به رفتن به آلامان می‌گرفتند و افرادی که مایل به همکاری بودند، گاه تا پانصد نفر در رکاب آنان حاضر می‌شدند (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۸۸).

پس از اینکه سرداری برای آلامان اعلام آمادگی می‌کرد، پرچمی بر نیزه خود می‌بست و در مقابل چادر خویش بر زمین فرو می‌برد که نشان از درخواست یاری از افراد دیگر و درخواست داوطلب برای تشکیل گروه آلامان بود (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۶۴). در این میان، افرادی که به سردار اعتماد داشتند و درصدد بودند در آلامان شرکت کنند، با فرو بردن نیزه‌های خود در کنار نیزه آن سردار، آمادگی خود را برای شرکت در آلامان اعلام می‌کردند (Ferrier, 1860: 168). روش حمله، نقشه دستبرد و مکان مورد نظر برای هجوم، توسط خود فرمانده اصلی مشخص می‌شد، اما ممکن بود وی گاهی برای شناخت بهتر موقعیت منطقه زیر نظرش برای حمله، از سرداران کارآزموده دیگر مشاوره بگیرد (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۴). در اوایل تشکیل گروه آلامان، این نقشه برای تضمین موفقیت حمله، به هیچ شخصی حتی نزدیک‌ترین خویشاوندان و دوستان سردار هم گفته نمی‌شد (وامبری، ۱۳۷۴: ۴۰۵؛ بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۴).

پس از تشکیل گروه آلامان، اعضای آن مدتی را برای آمادگی صرف می‌کردند و درباره چگونگی حمله، به کارگیری تجهیزات نظامی و نحوه آهسته پیش رفتن (که یکی از مهم‌ترین ویژگی آلامان بود)، به افراد حاضر آموزش‌های لازم داده می‌شد (بارنز، ۱۳۹۵: ۴۵). سپس همه آنها در میعادگاهی حاضر می‌شدند و پس از به جا آوردن رسوم ترکمانی، از جمله رسم صدقه و فاتحه و قرار تقسیم اموال غارتی، به سوی مقصد مورد نظر روانه می‌گشتند (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۸۸-۸۹).

۲-۲. کمین کردن برای حمله

ترکمان‌ها از کودکی مهارت‌های جنگی همانند شمشیرزنی، تیراندازی و سوارکاری را می‌آموختند تا در بزرگسالی به عنوان شرکت‌کننده در آلامان‌ها حضور پیدا کنند (موزر، ۱۳۵۶: ۵). حملات ترکمانان نیز به این صورت بود که آنان در گروه‌های پنج تا دویست نفره و گاهی هم بیشتر، از منطقه سکونت خود حرکت می‌کردند و مرحله به مرحله به سمت هدفی که مورد نظرشان بود، پیش می‌رفتند و پس از نزدیک شدن به هدف، به کمین می‌نشستند تا در فرصت مناسبی که پیش می‌آمد، حمله کنند (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۷۱). آنان در کمین کردن مهارت داشتند و نحوه کمین

کردن و مکان‌های مناسب برای این عمل را به خوبی می‌دانستند (سه سفرنامه هرات، ۱۳۵۶: ۱۸۶). مکان‌هایی که بیشتر آنان کمین می‌کردند، عبارت بود از: جلگه‌ها، دره‌ها، چشمه‌ها و جنگل‌ها (ژوبر، ۱۳۴۷: ۳۹۵؛ سیاح، ۱۳۴۶: ۱۲۸). ترکمانان پس از استقرار در محل کمین، گروهی متشکل از سه تا شش نفر را به عنوان جاسوس برای اکتشاف محل و بررسی شرایط و اوضاع موجود و کسب اطلاعات لازم برای حمله، به اطراف منطقه مورد نظر می‌فرستادند و بقیه گروه منتظر برگشت آنان می‌ماندند (مارکام، ۱۳۶۷: ۷۴). این افراد علاوه بر اینکه به جست‌وجوی اطلاعات و بازرسی منطقه می‌پرداختند، گاهی نیز با پرداخت پول به ایرانیانی که ساکن روستاها و مرزها بودند، از مردم محلی اطلاعات لازم را به دست می‌آوردند (Baker, 1876: 218). آنان با فهمیدن موقعیت منطقه و نواقص استحکامات شهری همانند شکاف یا خرابی حصار شهر و دیگر اطلاعات مورد نیاز برای حمله، منتظر می‌ماندند. سپس در یک فرصت مناسب، به دستور رهبر یا سردار آلامان، حمله را آغاز می‌کردند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۹؛ رابینو، ۱۳۶۵: ۱۱۸).

۲-۳. شیوه حملات ترکمن‌ها به مناطق ایرانی

حمله ترکمانان یک روش غافلگیرانه بود که معمولاً شیخون و یک حمله سرعتی بود و آن را «قاجا اروش» می‌خواندند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۳۸). آنان با سرعت زیاد به محل مورد نظرشان حمله می‌کردند. در این شیوه حمله، آنان بسیار زبردست و چیره‌دست بودند؛ به‌طوری که طی چند دقیقه می‌توانستند هر چیزی را که سر راهشان بود، نابود کنند (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۲۵). آنان هنگام حمله اصلاً رحم نداشتند و برای رسیدن به اهداف خود، از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کردند. روحیات و شجاعت ترکمانان در حملات، باعث می‌شد رعب و وحشت در دل مردم ایالات و ولایات ایران بیفتد؛ زیرا آنان حاضر بودند برای دستیابی به هدف خود، افرادی را که در مقابل تهاجمشان ایستادگی می‌کردند، قتل عام کنند (سیدقطبی، ۱۳۹۷: ۲۸). در این میان، گاهی دهات و شهرهای غارتی را آتش می‌زدند؛ به همین دلیل پس از حملات ترکمانان، آثار خرابی و پریشانی در مناطقی که حمله کرده بودند، قابل توجه بود (وامبری، ۱۳۷۴: ۳۳۵). گاهی شدت این حملات به دلایل زد و خوردهایی که دولت قاجار برای سرکوب آنان می‌کرد، بسیار زیاده‌تر می‌شد و ترکمانان برای انتقام از هیچ خشونت‌ی دریغ نمی‌کردند (سارلی، ۱۳۷۳: ۱۵۶/۱).

بیشترین شیوه ورود ترکمن‌ها به ایران، این گونه بود که پس از آنکه آهسته به منطقه مورد نظر می‌رسیدند و کمین می‌کردند، اگر وضعیت غیرمترقبه‌ای پیش نمی‌آمد، قبل از رسیدن سوارانی که می‌توانستند با ترکمانان مقابله کنند (بارنز، ۱۳۹۵: ۴۶)، هنگام صبح و موقعی که مردم تازه از خواب بیدار و مشغول کار می‌شدند، حمله را آغاز می‌کردند و هر کس را می‌دیدند می‌ربودند و دست به غارت می‌زدند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۹).

ترکمن‌ها به قدرت، کارآمدی و شجاعت خود در آلمان‌ها ایمان داشتند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۲) و معتقد بودند یک نفر از آنان در برابر پنج نفر از ایرانیان مقاومت می‌کند و حتی اگر تعداد کمی از ترکمانان در مقابل نیروهای محافظتی ایرانی پدیدار شود، باعث وحشت آنان می‌گردد. گاهی نیروهای امنیتی حکومت با دیدن ترکمن‌ها، سلاح‌های خود را بر زمین می‌گذاشتند و تسلیم می‌شدند (وامبری، ۱۳۷۴: ۴۰۵-۴۰۶). آنان در حملات خود، محافظان مسلح ایالات و ولایات را دست‌کم می‌گرفتند و معتقد بودند آنها توانایی مقابله با ترکمن‌ها را ندارند؛ پس طبق نقشه پیش می‌رفتند و حمله خود را دقیق و با برنامه اجرا می‌کردند (واتسن، ۱۳۵۴: ۶۰). آنها زمانی که با محافظان برخورد می‌کردند، به دلیل سرعت عمل بالایی که داشتند و با نیروی شگرفی، اجازه حرکت و واکنش را به آنان نمی‌دادند و گاه حتی آنان را گرفتار می‌کردند و دست و پایشان را می‌بستند تا هیچ گونه اقدامی نکنند. پس از پایان حمله، این محافظان را می‌کشتند و یا به عنوان اسیر با خود می‌بردند (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۲۵؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۹). یک نفر که اسیر ترکمن‌ها بوده، نقل کرده است که آنها هنگام نبرد: «احساس وحشت نمی‌کنند و هر قدر جنگ سخت باشد تسلیم نمی‌شوند ولو اینکه زن و بچه آنها مقابل چشمشان به قتل برسند» (براون، ۱۳۴۴: ۴۷۵).

ترکمانان در حملات خود و جنگ با قشون ایران، به خوبی از یکدیگر حمایت می‌کردند. آنان در جنگ و درگیری، هیچ‌گاه در روز در مقابل قشون قاجار نمی‌ایستادند؛ زیرا این کار امکان شکست آنان را بالا می‌برد. آنان حتی جنگ منظم و یکپارچه را هیچ‌گاه انجام نمی‌دادند و در جنگ روبه‌روی دشمنشان نمی‌ماندند، بلکه حملات خود را به صورت یورش‌های کوچک‌تر و آزاردهنده به صورت مداوم انجام می‌دادند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۳). این کار باعث تضعیف روحیه گروه مقابلشان می‌شد و در میان آنان ایجاد وحشت می‌کرد. سپس در یک فرصت مناسب در یک چشم بر هم زدن، حمله نهایی را انجام می‌دادند و پس از رسیدن به اهداف چپاولی خود،

فرار می کردند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۹). در این امر هم طبق رسم موجود در میانشان، فقط یک بار حمله می نمودند و اگر به هر دلیلی ناکام می ماندند، دوباره آن را تکرار نمی کردند (عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۴: ۴۶). ترکمن ها از حربه قیل و قال و سروصدایی که گوش را کر می کرد و پراکندن خاک به هوا نیز در نبردها بهره می گرفتند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۳).

۲-۴. نحوه غارت

ترکمانان آن قدر در غارتگری بی محابا بودند که علاوه بر اینکه در جاده ها و شاهراه های اصلی منتهی به مناطق شمال شرقی و شمالی ایران کرّ و فر می کردند، بلکه از دروازه های شهرها نیز عبور می کردند و وارد حصار شهر می شدند و اقدام به آتش زدن و غارت اموال و احشام مردم و اسارت افراد می کردند (وامیری، ۱۳۷۲: ۲۶۰). آنان گرچه به طور مداوم به روستاها حمله می کردند، گاهی به کاروان هایی که در مسیرهای ارتباطی شمال و شمال شرقی در رفت و آمد بودند نیز حمله می کردند. در این میان، بیشترین کاروان هایی که توسط آنها غارت می شد، کاروان های زیارتی و تجارتی بود؛ به ویژه کاروان های زیارتی که در مسیر خراسان رفت و آمد داشتند، بیشتر مورد حمله قرار می گرفتند (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

غارت کاروان ها توسط ترکمانان، یک چپاول تمام عیار بود و افرادی که می خواستند مسافرت کنند، از دام هایی که ترکمانان برایشان پهن کرده بودند، آگاه بودند، ولی با تمام تدابیری که برای تأمین امنیت اتخاذ می کردند، باز هم گرفتار غارتگران می شدند (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۲۱). ترکمن ها معمولاً در زمان گرگ و میش صبح، به کمین زائران می نشستند و آن هنگامی بود که مسافران پس از طی مسافتی طولانی در شب، خواب آلود به نماز صبح می ایستادند (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۵۱). در این حال، ترکمانان هنگامی که حس می کردند کاروان از مراقبت کمتری برخوردار است، در حالتی که تجهیزات نظامی شان همانند نیزه و تفنگ را در دست داشتند و سر خود را روی گردن اسب هایشان خم کرده بودند، به وضع تاخت به سمت کاروان می رفتند و در یک حمله، به دل کاروان می زدند و با ایجاد سر و صدا در اطراف کاروان، رعب و وحشت را در میان کاروان می انداختند و باعث تضعیف روحیه مسافران و نیروهای امنیتی می شدند (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۲۷). پس هر چه را که بود، غارت می کردند و پس از چپاول کاروان، افراد آن را به عنوان اسیر و برده به محل زندگی خود می بردند و اگر کسی از افراد کاروان مقاومت می کرد،

بدون هیچ رحمی او را می‌کشتند (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۲۱). آنها اغلب به کاروان‌های کوچک حمله می‌کردند و جرئت نمی‌کردند با عده کمی به یک کاروان بزرگ حمله کنند؛ زیرا امکان پیروزی‌شان در مقابل آنها به دلیل امنیت بالا و تعداد افراد موجود در کاروان، کمتر بود (سیدقطبی، ۱۳۹۷: ۲۹)، ولی هنگامی که می‌دانستند فرد متمول و پول‌داری در یک کاروان بزرگ حضور دارد که می‌توانند با گروگان گرفتن او یا فروشش به عنوان برده، پول گزافی به دست آورند، از هیچ‌گونه تلاشی برای نفوذ به آن دریغ نمی‌کردند و با شیخون زدن‌های مداوم، به هدف خود می‌رسیدند (سیدقطبی، همان، ۳۷).

ترکمن‌ها بعد از تجاوزات و غارتگری که کرده بودند، برای آنکه دستگیر نشوند، به سرعت با اسب‌های تندرو به فاصله پنجاه تا صد کیلومتر دور می‌شدند و فرار می‌کردند (موزر، ۱۳۵۶: ۱۲۸). به دلیل اینکه نمی‌توانستند از راه‌ها و جاده‌های اصلی برای فرار استفاده کنند، از صحرای و کوه‌هایی که هیچ امکاناتی به عنوان آذوقه برای خودشان و اسب‌هایشان نبود، فرار می‌کردند و به مقر دورافتاده خود در صحرا عقب‌نشینی می‌کردند (ادنوان، ۱۳۹۶: ۴۰۳؛ موزر، ۱۳۵۶: ۱۲۸). پس از آنکه احساس می‌کردند خطر رفع شده و اوضاع مساعد است، دوباره به منطقه زندگی خود بازمی‌گشتند و در کنار کارهای کشاورزی و دامداری، برای آلمان بعدی حاضر می‌شدند (Ferrier, 1860: 176).

۲-۵. غارتگری در سواحل و دریا

ترکمانان از طریق اشتغال به تجارت دریایی در دریای خزر، با ایرانیان ارتباط داشتند، اما همانند هم‌نژادان خود در خشکی، راهزنی هم می‌کردند و برخی از این ترکمانان همانند یموت‌ها به عنوان دزدان دریایی شهرت زیادی داشتند (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۶۰). آنان با قایق‌های خود به بنادر دریای خزر برای خرید و فروش وارد می‌شدند و پس از اینکه تمام کالاهای مورد نیاز خود را تهیه می‌کردند و کالاهای تجاری خود را می‌فروختند، ایرانیانی را که با آنان تجارت می‌کردند را با حيله و نیرنگ دستگیر و در کشتی‌های خود در میان غله‌ها و کالاهای خریداری‌شده پنهان می‌کردند و سپس آن افراد را به عنوان اسیر با خود می‌بردند (وامبری، ۱۳۷۴: ۹۶). ترکمانان علاوه بر روش گفته‌شده، دسته‌های مسلّحی را با کشتی‌های کایوک در سواحل دریای خزر پیاده می‌کردند. شعاع عمل این دسته‌ها تا چند فرسخ می‌رسید (وامبری، همان، ۵۰).

آنان پس از پیاده شدن، با استفاده از موقعیت طبیعی منطقه مانند علفزار و جنگل، در کمین می‌ماندند، سپس در موقعیت مناسب حمله را آغاز می‌کردند و افراد بسیاری را اسیر و اموال و دارایی آنان را غارت می‌کردند (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

ترکمانان علاوه بر سواحل، در داخل دریا نیز با جسارت فراوان به یورش می‌پرداختند. آنان به قایق‌های ماهی‌گیری و تجاری که در رفت‌وآمد بودند، حمله می‌کردند و تمام سعی خود را می‌کردند تا قایق مورد نظر را متوقف کنند و اموال و افراد داخل قایق را به یغما ببرند (گلی، ۱۳۶۶: ۱۴۵). آنها بیشتر به کشتی‌های کوچک حمله می‌کردند و به کشتی‌های تجاری بزرگ دستبرد نمی‌زدند (موزر، ۱۳۵۶: ۱۶۷)؛ زیرا کشتی‌های بزرگ تدابیر امنیتی و حفاظتی مناسبی داشتند و علاوه بر آن، تحت نظارت روس‌ها بودند (ملگونف، ۱۳۷۶: ۷۴).

۲-۶. تقسیم غنائم

پس از آنکه چپاول و آلامان پایان می‌یافت، ترکمانان به خانه خود بازمی‌گشتند و طبق قرار قبلی که در شروع آلامان بین خودشان گذاشته بودند، هر آنچه را که از این امر به دست آورده بودند، در میان خودشان تقسیم می‌کردند. در تقسیم غنائم معمولاً این اصول رعایت می‌شد: «اول یک قسمت به اسم مال الله برمی‌دارند و آن قسمت باید مصرف علما، عجزه و مساکین قبیله برسد. آن وقت سردار را اگر یک یا دو نفر یا بیشترند چهار قسمت می‌دهند و بهادران معروف را که از سایر افراد قشون در شجاعت امتیاز دارند دو بهره می‌دهند، بقیه را در میان آحاد خود بالسویه قسمت می‌کنند؛ الا اینکه اسب یکی در آن راه تلف شده باشد عوض آن را از میانه می‌دهند و هر کس را اسب یدک همراه باشد نیم بهره هم برای اسبش می‌دهند» (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۸۸-۸۹). این تقسیم اموال به گونه‌ای انجام می‌شد که تعدی و بی‌عدالتی در مورد هیچ شخصی صورت نمی‌پذیرفت و هر فرد سهم خاص خود را برمی‌داشت (عسگری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۷۴: ۴۶).

در پایان آلامان‌ها، معمولاً افرادی بودند که در درگیری‌ها کشته می‌شدند و ترکمانان این را قبول کرده بودند که هیچ آلامانی بدون کشته نخواهد بود. آنان برای افرادی که کشته شده بودند، پس از بازگشت، عزاداری می‌کردند و با خانواده‌هایشان به همدردی می‌پرداختند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۰). کشته‌شدگان در راه آلامان، برای ترکمن‌ها بسیار قابل احترام و مقدس بودند و به

آنها لقب شهید می‌دادند. آنان جنازه فرد کشته‌شده را به اوبه‌اش می‌بردند و خونی را که از او ریخته شده بود، نمی‌شستند؛ زیرا به زعم آنان لکه‌های خون پلیدی‌های جسد را تقدیس می‌کند (فریزر، ۱۳۶۴: ۴۵۱-۴۵۲). سپس پیکر خونین را در گورستان اصلی قبیله دفن می‌کردند (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۵۰). البته گاهی پیش می‌آمد که فرد کشته‌شده در چپو را در همان محل زد و خورد با لباس رزم دفن می‌کردند (ادنون، ۱۳۹۶: ۱۶۹). در این شرایط، معمولاً مدتی بعد یکی از اقوام فرد کشته‌شده را برای آوردن جسد می‌فرستادند و سپس جنازه را در محل زندگی خود دفن می‌کردند (قورخانچی، همان، ۵۰).



سوداگران برده هنگام عملیات

۳. تجهیزات ترکمانان

ترکمانان در حملات از شمشیر، سپر، خنجر، نیزه، تفنگ و اسب استفاده می‌کردند (بارنز، ۱۳۹۵: ۶۴). آنان تفنگ‌های مختلفی داشتند که اغلب روسی بود (قره‌گزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۹۳). گاهی این تفنگ‌ها از طریق دراویش عثمانی که به ترکستان رفت‌وآمد داشتند، در اختیارشان قرار می‌گرفت (احمدی، [بی‌تا]: ۵۰). تهیه لوازم مورد نیاز تفنگ‌ها مثل باروت نیز از طریق

تجارتی بود که با استرآباد داشتند و یا به‌طور قاچاق تهیه می‌شد و چاشنی فشنگ را نیز از خرازی‌ها و تجاری که به میانشان می‌رفتند، تهیه می‌کردند (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۴۹).

مهم‌ترین تجهیزات ترکمانان در غارت، اسب بود و به‌طرز شگفت‌انگیزی زندگی‌شان با این حیوان توأم بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۲). آنها علاقه خاصی به اسب داشتند (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۸۹) و موفقیت‌های خود را بیشتر مرهون اسب‌هایی بودند که در حملات از آنها استفاده می‌کردند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۹)؛ زیرا این اسب‌ها در غارتگری به عنوان سرکش‌ترین دونده‌ها شناخته می‌شدند (پولاک، همان، ۲۶۴) و با سوار شدن بر آنان، می‌توانستند تا جاهای بعید در خاک ایران نفوذ کنند و با سرعت بالا به تاخت و تاز بپردازند (موزر، ۱۳۵۶: ۱۲۸). البته مهارت ترکمانان در اسب‌سواری نباید نادیده انگاشته شود؛ زیرا ترکمانان اکثراً از کودکی اسب‌سواری را آموزش می‌دیدند؛ به گونه‌ای که یک کودک هشت‌ساله می‌توانست با اسب چهارنعل بتازد (پولاک، همان، ۳۲).

آنان در پرورش اسب برای آلامان‌ها بسیار وقت می‌گذاشتند و حتی برای این کار، برای اسب یک جیره غذایی مخصوص قرار می‌دادند که هم از لحاظ تحمل و هم از لحاظ سرعت، شرایط اسب قابل قبول می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۳۸). این اسب‌ها پس از گذراندن تعلیمات لازم، می‌توانستند چند روز متوالی را تا چندصد کیلومتر راهپیمایی کنند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۰). اسب برای یک فرد ترکمن اهمیت خاصی داشت و وقتی یکی از سواران ترکمن تیر می‌خورد و از اسب می‌افتاد، به سرعت کارد از غلاف می‌کشید و رگ اسب را می‌برید تا اسبش به دست کس دیگر نیفتد. آنان اسب را چون ناموس خود حفاظت می‌کردند و مرد بدون اسب را نیم مرد می‌نامیدند. ترکمانان پس از بازگشت از آلامان، به اسب اجازه استراحت می‌دادند تا قوای خود را برای غارت بعدی باز یابد (بلوک ویل، ۱۴۰۰: ۹۲-۹۰).

۴. اسارت نزد ترکمانان

ترکمن‌ها در حملات غارتگرانه‌ای که همه ساله در مناطق شمالی و شمال شرقی ایران، به‌ویژه در خراسان و استرآباد انجام می‌دادند، عده زیادی از اتباع ایرانی و روسی را می‌ربودند و با خود به اسارت می‌بردند (تیموری، ۱۳۹۲: ۱۸۷۳/۲)؛ به گونه‌ای که کمتر خانواده‌ای در این مناطق وجود داشت که افرادی از خانواده‌اش اسیر نشده باشند (کمبل، ۱۳۸۴: ۷۶۱/۲). حتی برخی از این مناطق در پی هجوم پی‌درپی ترکمانان که در سال چندین بار اتفاق می‌افتاد، تقریباً مثل بیابان،

خلوت و خالی از سکنه شده بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۴). گوینو در این باره نوشته است: «ترکمن‌ها [...] کارشان همه چپو و غارت است و رعایای بیچاره را صد تا صد تا اسیر می‌کنند و از حدود ممالک محروسه بیرون برده و به ازبک‌های خیوه و بخارا به قیمت خوبی می‌فروشند، نه از خدا ترسی دارند و نه از پیغمبر شرم و خجالتی» (گوینو، ۱۳۸۶: ۵۲). یکی از دلایل به اسارت گرفتن مردم ایران نیز توجیهات مذهبی ترکمنان بود (سیاح، ۱۳۴۶: ۱۲۳). آنان می‌توانستند با توجیهات مذهبی، مسلمانان اهل تشیع را به عنوان برده بگیرند و در بازارهای مخصوص برده‌فروشی که داشتند به فروش برسانند (تیموری، ۱۳۹۲: ۱۸۷۴/۲). این رفتار با ایرانیان اهل سنت نیز انجام می‌گرفت؛ به‌طوری که آنان را مجبور به قبول تشیع می‌کردند و سپس به عنوان برده می‌فروختند (وامبری، ۱۳۷۴: ۲۵۹).

ترکمن‌هایی که در داخل خاک ایران زندگی می‌کردند، هنگام آغاز کوچ، به مردمی که در نزدیکی‌شان زندگی می‌کردند، حمله می‌کردند و علاوه بر دزدی اموال و احشام آن مردم، خودشان را نیز به اسارت می‌گرفتند (عزالدوله و ملگونوف، ۱۳۶۳: ۱۵۳-۲۱۰). علاوه بر این روش، ترکمنان هنگام تجارت و دزدی دریایی، افرادی را که با آنها تجارت می‌کردند نیز می‌گرفتند. حتی کمین می‌کردند تا مردمی را که در حال عبور و مرور بودند نیز اسیر کنند (بوهلر، ۱۳۵۷: ۵۸). وامبری در مورد ترکمنان دریانورد نقل کرده است که: «در طول اقامت در گمش‌تپه، شی نبود که از جانب دریا صدای تیر، یعنی علامت آوردن اسرا به گوش نرسد» (وامبری، ۱۳۷۲: ۱۶۲). آنان در جنگ‌هایی که با قشون ایران داشتند، سربازان و فرماندهان را به اسارت می‌گرفتند (سه سفرنامه هرات، ۱۳۵۶: ۱۰۲-۱۰۳).

اسیران گرفتار شده در دست ترکمنان، وضعیت بسیار سخت و مشقت‌باری داشتند؛ زیرا ترکمنان هیچ رحمی به آنها نداشتند و اسرا برایشان یک کالای تجاری به حساب می‌آمدند (بارنز، ۱۳۹۵: ۲۲). آنان به محض اینکه افراد را اسیر می‌کردند، به دست و پاهایشان قفل و زنجیر می‌زدند و به نواحی سکونت خود می‌بردند (وامبری، ۱۳۷۲: ۱۵۶) و اگر اسیری در راه خسته می‌شد و با سرعت ترکمنان حرکت نمی‌کرد، او را ابتدا تحریک به راه رفتن می‌کردند و اگر اسیر راه نمی‌رفت، او را می‌کشتند. با این اوصاف، ترکمنان از انجام هیچ ظلمی در حق آنان کوتاهی نمی‌کردند (Baker, 1876: 219-220). برده‌ها در میان ترکمنان زندگی رقت‌باری داشتند و به شدت محافظت می‌شدند. آنان برای اینکه اسیر فرار نکند، به پاهایش زنجیرهای قطوری

می‌بستند که این زنجیرها هنگام راه رفتن، به دلیل سنگینی بر روی زمین کشیده می‌شدند و پاهای اسیر را اذیت می‌کردند (وامیری، ۱۳۷۲: ۱۵۶). البته بردگان دست از تلاش برای فرار برنمی‌داشتند و هنگامی هم که فرار می‌کردند، نمی‌توانستند به محل زندگی خود برگردند؛ زیرا در مسیر دوباره گرفتار می‌شدند (ملگوف، ۱۳۷۶: ۱۳۶). گاهی اتفاق می‌افتاد اسیری با تلاش بسیار می‌توانست از اسارتی که گرفتار آن شده بود، فرار کند، ولی هیچ‌گاه رفتاری را که ترکمانان با او در زمان اسارتش داشتند، فراموش نمی‌کرد و از خاطراتش پاک نمی‌شد (Ferrier, 1860: 171-177).



وضعیت یک اسیر



شکنجه اسرا در خیوه

ترکمن‌ها به اسیران اجازه می‌دادند برای آزادی خودشان هزینه‌ای را به عنوان فدیة بپردازند و آزادی‌شان را بخرند (واتسن، ۱۳۵۴: ۳۱۶)؛ به گونه‌ای که افراد متمول می‌توانستند با پرداخت مبلغی، آزادی خود را بخرند (شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۰). برای این منظور به اسیران اجازه داده می‌شد با خانواده‌های خود در ایران ارتباط برقرار کنند تا مبلغ مورد نظر برای فدیة را تهیه کنند، اما اگر اسیری توان پرداخت فدیة یعنی هزینه آزادی خود را نداشت، آن‌قدر در دست آنان شکنجه می‌شد تا بهای آزادی‌اش را خانواده‌اش بپردازند و اگر این اتفاق نمی‌افتاد، به عنوان برده فروخته می‌شد (وامبری، ۱۳۷۴: ۸۵-۹۷). گاهی نیز از این بردگان و اسیرانی که از ایران گرفته بودند، برای کارهای موجود در مناطق ترکمن‌نشین استفاده می‌کردند و آنان را به کارهایی نظیر چوپانی، کشاورزی، صنعتگری و کارهای سخت و طاقت‌فرسا و حتی به صورت خدمتکار در منزل وا می‌داشتند (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۸۳).

ترکمنان معمولاً اسیران را برای فروش به بازارهای معینی در شهرهای بخارا و خیوه که برای فروش اسیران بود، می‌بردند (هدایت، ۱۳۸۵: ۹۸). این شهرها دارای کاروان‌سراهایی بود که ترکمن‌هایی که نمی‌توانستند اسیران را به مدت طولانی نزد خود نگه دارند، آنها را به آنجا می‌بردند و به دست دلالان می‌سپردند و پول خود را می‌گرفتند. دلالان نیز بردگان را در بازارها در معرض فروش قرار می‌دادند (وامبری، ۱۳۷۲: ۲۳۱). قیمت برده هنگام فروش در بازارها بستگی به عواملی چون سن و سال، موقعیت سیاسی برده و مسائل دیگر داشت (وامبری، همان، ۲۳۲). ترکمن‌ها برای کودکان و زنان و افراد جوان همواره قیمت بالایی را ارائه می‌دادند؛ زیرا قدرت کارایی آنان در خدمتکاری بسیار بالاتر از افراد سالخورده بود (تیموری، ۱۳۹۲: ۱۸۷۵/۲).

نتیجه‌گیری

تضاد یکجانشینان ایرانی با کوچ‌نشینان و حملات و غارتگری‌های ایلات و عشایر، الگوی همیشگی تقابل و همزیستی در پهنه جغرافیای ایران، به‌خصوص در مناطق حاشیه‌ای و مرزی از جمله سرحدات شمال شرقی بود. توان و قدرت بازدارندگی و دفاعی حکومت مرکزی و اهتمام آن به مبارزه با ناامنی و غارتگری، تعیین‌کننده طرف برتر در منازعه دو الگوی متفاوت زیستی در ایران، یعنی یکجانشینی و کوچ‌نشینی بود. آقا محمدخان قاجار با حملات و سرکوب شدید ترکمن‌های ساکن مرزهای شمال شرق ایران، علاقه و تمایل خود را به ایجاد امنیت در مرزها و سرکوب

عوامل ناامنی زندگی ساکنان شمال شرق ایران نشان داد. تسلط و استبداد آقا محمدخان در برخورد با عوامل ناامنی و غارتگران این ناحیه، پس از وی به خاطر ضعف حکومت مرکزی ایران، سیاست‌های گریز از مرکز خوانین خراسان، مرکز و شمال غرب گرای حکومت قاجار و دیگر عوامل ادامه نیافت. ترکمن‌ها از این فرصت بهره بردند و در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ حملات غارتگرانه مداوم و بی‌وقفه‌ای را به مناطق مختلف شمال شرق و شرق قلمرو قاجارها انجام دادند. این حملات از دید ترکمن‌ها جهاد و مبارزه با ایرانیان شیعه و مهم‌تر از آن، تنها راه تأمین معاش و گذران زندگی بود؛ پس با معنویت و هیجان دینی خاصی انجام می‌شد. همچنین آنها در طول سده‌های متمادی، ابزارها و روش‌های خود در حملات غارتگرانه به یکجانشینان را تکامل داده و بهبود بخشیده بودند. آنها از اسب اصیل ترکمن با روش‌های تربیتی خاص، تیر و کمان ترکمانی، تفنگ‌های روسی، نقشه و برنامه کارآمد برای آمادگی و حرکت به سمت هدف، ابزار ترس و وحشت و حملات سریع و بی‌رحمانه بهره می‌گرفتند. بنابراین تقابل ناکارآمدی ساختار دفاعی و جنگی قاجارها در برابر ایمان مذهبی و ابزارها و روش‌های کارآمد ترکمن‌ها، موفقیت ترکمن‌ها در حملات را تضمین می‌کرد.

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آصف، محمدهاشم (رستم‌الحکما) (۱۳۴۸)، *رستم‌التواریخ*، تصحیح، تشجیه و توضیحات و تنظیم فهرست‌های متعدد از محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- آوری، پیترو، گاوین هامبلی و چارلز ملویل (۱۴۰۰)، *تاریخ ایران کمبریج (قسمت دوم) قاجاریه*، ج ۷، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.
- اجلالی، فرزاد (۱۳۷۳)، *بنیان حکومت قاجار (نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن)*، تهران: نی.
- احمدی، آنه محمد [بی‌تا]، *تاریخچه خلق ترکمن*، [بی‌جا]: قابوس.
- ادنون، ادموند (۱۳۹۶)، *واحه مرو: ماجراهای مسافرت به مناطق روسی حاشیه دریای خزر در سال‌های ۱۸۱۱-۱۸۱۷ میلادی و پنج ماه اقامت در میان ترکمن‌های تکه مرو*، ترجمه حسین سعادت نوری، پژوهش و تصحیح سید مهدی سیدقطبی و حسن علی فریدونی، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۹۵)، *اکسیر التواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹ ق.)*، به اهتمام

- جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- افشار آرا، محمدرضا (۱۳۸۰)، خراسان و حکمرانان یا تاریخ استانداری خراسان از آغاز تا پایان عصر قاجاریه، مشهد: محقق.
 - اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - اینووه، ماساجی (۱۳۹۰)، سفرنامه ایران؛ مسافر ژاپنی در مالوراءالنهر ایران و قفقاز (۱۳۲۰ق/۱۹۲۰م)، ترجمه هاشم رجب‌زاده، با همکاری کینجی ئه اورا، تهران: طهوری.
 - بارنز، آلکس (۱۳۹۵)، سفرنامه آلکس بارنز؛ سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد: آستان قدس رضوی.
 - براون، ادوارد (۱۳۴۴)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه و حواشی به قلم ذبیح‌الله منصوری، تهران: کانون معرفت.
 - بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب؛ دومین سفر هینریش بروگش، ترجمه مجید جلیلووند، تهران: نشر مرکز.
 - بلوک ویل، هانری دوکولیوف (۱۴۰۰)، در اسارت ترکمنان، ترجمه عبدالرحمان اوق، تهران: علمی و فرهنگی.
 - بوهرلر، آلکساندر (۱۳۵۷)، سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران، به کوشش محمدتقی پوراحمد جکناجی، لاهیجان: گیل.
 - پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک؛ «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
 - تیموری، ابراهیم (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار، ج ۲، تهران: سخن.
 - دنلی، عبدالرزاق‌بیک (۱۳۸۹)، مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس)، به ضمیمه: تاریخ جنگ‌های دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران.
 - دیولافوا، ژن (۱۳۷۸)، سفرنامه (مادام دیولافوا)؛ ایران و آکلده، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: قصه‌پرداز.
 - رایینو، یانست لویی (۱۳۶۵)، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
 - رضایی، عبدالعظیم (۱۳۹۴)، گنجینه تاریخ ایران (صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار)، ج ۱۲، تهران: آسیم، پیکان.
 - زرگری‌نژاد، غلامحسین و نرگس علی‌پور (۱۳۸۸)، «ترکمن‌ها و بردگی ایرانیان در عصر قاجار؛ از آغاز تا انعقاد عهدنامه آخال»، نشریه تاریخ اسلام و ایران، ش ۲، صص ۲۳-۴۶.
<https://doi.org/10.22051/hii.2014.735>
 - ژوبر، پیر آمدی امیلین پروب (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران؛ به انضمام جزوای درباره گیلان و مازندران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ.

- سارای، محمد (۱۳۷۸)، ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم؛ پژوهشی درباره مردم ترکمن و انضمام کشورشان به امپراتوری روسیه، ترجمه قدیر ویردی رجائی، تهران: قدیر ویردی رجائی.
- سارلی، آراز محمد (۱۳۷۳)، تاریخ ترکمنستان، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه.
- ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱)، تاریخ محمدی، «احسن التواریخ»، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: امیرکبیر.
- سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۶۳)، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده‌هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: لوحه.
- (۱۳۹۱)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: نگاه.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا؛ آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، [بی‌جا]: زوار.
- سهام‌الدوله، یارمحمدخان (۱۳۷۴)، سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: علمی و فرهنگی.
- سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد (۱۳۵۶)، به کوشش قدرت‌الله روشنی «زعفرانلو»، تهران: توس.
- سیاح، حمید (۱۳۴۶)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: سپهر.
- سیدقطبی، سید مهدی (۱۳۹۷)، پنج سفرنامه خراسان به قلم روزنامه‌نگاران دوره قاجار و پهلوی (ادموند ادنون، یک اصفهانی، حسین شجره، حسن حلاج، اسدالله رهگذر) ۱۳۳۲-۱۳۵۹ شمسی، مشهد: نسیم.
- سیمونیچ، ای. او. (۱۳۵۳)، خاطرات وزیرمختار؛ از عهدنامه ترکمنچای تا جنگ هرات، ترجمه یحیی آرین‌پور، تهران: پیام.
- شیل، مری لیدی (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل: همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نو.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۸)، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- عزالدوله و ملکونوف (۱۳۶۳)، سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران»، به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی، تهران: دنیای کتاب.
- عسگری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۷۴)، ایرانیان ترکمن؛ پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، تهران: اساطیر.
- عزیززاده بیرجندی، زهرا، الهام ملک‌زاده و سمیه پورسلطانی (۱۳۹۹)، «اندرزنامه‌نویسی در دوره قاجار: علل تداوم، نمودهای تحول»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۱۲، ش ۴۶، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی: از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران، ترجمه و حواشی منوچهر امیری، تهران: توس.

- قره‌گزلو همدانی، عبدالله (۱۳۷۱)، *دیار ترکمن (سفرنامه پسر اعتمادالسلطنه)*، به کوشش حسین صمدی، قائم‌شهر: [بی‌نا].
- قورخانچی، محمدعلی (۱۳۶۰)، *نخبة سیفیه: در تاریخ و جغرافیای استرآباد با انضمام بیاض خانوار و انفاس مملکت استرآباد با جمیع متعلقات و ترانه‌های عامیانه ترکمن ۱۲۴۹ قمری (صولت نظام)*، گردآورنده: الکساندر شودزکو، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۴۷)، *ایران و مسئله ایران*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: ابن‌سینا.
- کجیاف، علی‌اکبر و کورش هادیان (۱۳۹۰)، «الگوی مدیریت بحران در دوره قاجار با تأکید بر نقش دولتمردان کرد در مدیریت بحران سالار»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۱۰، صص ۱۱۵-۱۴۳. <https://doi.org/20.1001.1.22286713.1390.3.10.6.3>
- کمبل، سر جان (۱۳۸۴)، *دو سال آخر؛ یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران در سال‌های ۱۸۳۳-۳۴ (دو سال آخر سلطنت فتح‌علی‌شاه)*، ترجمه ابراهیم تیموری، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- گرگر، کلنل سی. ام. مک (۱۳۶۶)، *سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان*، ترجمه مجید مهدی‌زاده و اسدالله توکلی طبسی، ج ۱، تهران: قدس رضوی.
- گلی، امین (۱۳۶۶)، *سیری در تاریخ سیاسی اجتماعی ترکمن‌ها*، تهران: علم.
- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۶)، *جنگ ترکمن*، ترجمه محمدعلی جمال‌زاده، تهران: سخن.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۹۰)، *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)* به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۱، تهران: اساطیر.
- لوگاشوا، بی‌بی رابعه (۱۳۵۹)، *ترکمن‌های ایران (پژوهش تاریخی-مردم‌شناسی)*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: شباهنگ.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران.
- مرادی، مسعود و زهرا شعبانی ثانی (۱۳۹۲)، «اسارت زوار ایرانی توسط ترکمانان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹م)»، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ش ۱۳، صص ۶۹-۸۳. <https://doi.org/20.1001.1.22516131.1392.4.13.6.0>
- (۱۳۹۵)، «بررسی نقش روسیه و انگلیس در تهاجمات ترکمانان به ایران (سده ۱۹)»، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ش ۲۲، صص ۶۳-۷۱. <https://doi.org/20.1001.1.22516131.1395.6.22.5.5>
- ملگونف، گریگوری ولریانوویچ (۱۳۷۶)، *کرانه‌های جنوبی دریای خزر*، ترجمه امیرھوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- موزر، هنری (۱۳۵۶)، *سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)*، ترجمه علی مترجم (مترجم مخصوص ناصرالدین‌شاه)، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر.
- نصر، سید تقی (۱۳۶۳)، *ایران در برخورد با استعمارگران؛ از آغاز قاجاریه تا مشروطیت*، تهران: شرکت

- مؤلفان و مترجمان ایران.
- نوری، محمدتقی (۱۳۸۶)، *اشرف التواریخ: وقایع مربوط به حکومت محمدولی میرزا در خراسان*، تصحیح سوسن اصیلی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
 - واتسن، رابرت گرنث (۱۳۵۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.
 - وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲)، *زندگی و سفرهای وامبری: دنباله سیاحت درویشی دروغین*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
 - (۱۳۷۴)، *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه*، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.
 - هاپرک، پیتر (۱۳۷۹)، *بازی بزرگ: عملیات سازمان‌های جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران*، ترجمه رضا کامشاد، تهران: نیلوفر.
 - هدایت، رضاقلی (۱۳۸۵)، *سفارت‌نامه خوارزم*، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
 - بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، *خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران: بزدان.

ب. منابع لاتین

- Baker, Valentine (1876), *Clouds in the East: Traveles, and Adventures on the Perso-Turkoman Frontires*, london: Kessinger Publishing.
- Ferrier, J. P. (1860), *Voyages en Perse Dans L'Afghanistan Le Be'loutchistan et le Turkestan*, Paris: Dentu.
- Yate, Arthur Campbell (1853), *England and Russia face to face in Asia; travels with the Afghan Boundary Commission*, Edinburgh and Londin: William Blackwood and son.

List of sources with English handwriting

- Adamiyat, F. (1362 SH). *Amir Kabir and Iran*, Tehran: kwarizmi. [In Persian]
- Afšar Ara, M. R. (1380 SH). *Khorasan and the Rulers or the History of the Governorship of Khorasan from the Beginning to the End of the Qajar Era*, Mashhad: Mohaqeq. [In Persian]
- Ahmadi, A. M. (n. d.). *History of the Turkmen People*, [s.l.]: Qaboos. [In Persian]
- Ajlaly, F. (1373 SH). *The Foundation of the Qajar State (Tribal Political System and Modern Bureaucracy)*, Tehran: Ney. [In Persian]
- Alizadeh Birjandi Z, Malekzadeh E, Porsoltani S (2020), *A Study of the Content Development of Qajar-era Political Instructions and the Reasons for It*. 12 (46): 105-124. 20.1001.1.22286713.1399.12.46.3.5. [In Persian]

- Asef, M. H. (Rostam al-Hikma) (1348 SH). *Rostam al-Tawarikh* (from the copy in the Prussian State Library in the author's handwriting), With the Corrections, Clarifications and Explanations and Arrangement of several lists by Moḥammad Maširy, Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Asqari kanqah, A. and M. Šarif Kamali (1374 SH). *Turkmen Iranians; Research in Anthropology and Demography*, Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Avery, P. , Hambly G., Melville ch. (1400 SH). *Cambridge History of Iran (Part Two) Qajar, 7rd Vol.* , Tr. by Tymur Ġaderi, Tehran: Mahtab. **[In Persian]**
- Barnes, A. (1395 SH). *The Travelogue of Alex Barnes*; Travel to Iran during the reign of Fath Ali Shah Qajar, Tr. by Ḥassan Solṭanyfar, Mašhad: Astan Quds Ražavy. **[In Persian]**
- Blockville, H. D. (1400 SH). *In the Captivity of the Turkmens*, Tr. by A'bdolrahman Onq, Tehran: Scientific and Cultural. **[In Persian]**
- Brown, E. (1344 SH). *A Year Among the Iranians*, Tr. and annotated by Zabiḥollah Maṣṣouri, Tehran: Kanoon M'arefat. **[In Persian]**
- Brugge, H. (1374 SH). *In the Land of the Sun: The Second Journey of Heinrich Brugge*, Tr.by Majid Jalilvand, Tehran: Markaz. **[In Persian]**
- Buhler, A. (1357 SH). *Travelogue and Geography of Gilan and Mazandaran*, Ed. by Moḥammad Taqi Pour-Aḥmad Jaktaji, Lahijan: Gil. **[In Persian]**
- Campbell, S. J. (1384 SH). *The Last Two Years: The Daily Notes of Sir John Campbell, British Ambassador to the Court of Persia in 1833-34 (the Last Two Years of the Reign of Fath Ali Shah)*, Ed. by Ebrahim Timuri, 2rd Vol., Tehran: University of Tehran. **[In Persian]**
- Curzon, G. N. (1347 SH). *Iran and the Iranian Question*, Tr. by ali Javaher Kalam, Tehran: Ibn Sina. **[In Persian]**
- Dioulavois, ž. (1378 SH). *Travelogue (Madame Dioulavois) of Iran and Chaldea*, Tr. by Ḥomayoun Fareh Vaši, Tehran: Qeseh Pardaz. **[In Persian]**
- Donbaly, A. B. (1389 SH). *The Works of Soltanieh (History of the First Wars of Iran and Russia)*, with the Appendix: The History of the Wars of the Second Period from the History of Zulqarnain, Co. and An. by ġolamḥossein Zargarinežad, Tehran: Iran Newspaper. **[In Persian]**
- Ednawan, E. (1396 SH). *The Oasis of Merv: Adventures of Traveling to the Russian Regions on the Caspian Sea in 1879-1881 and a Five-Month Stay among the Turkmen of Merv*, translated by Hossein Saadat Nouri, With the Researched and Edited by Seyyed Mahdi Seyyed Qoṭbi and Ḥassan Ali Fereydouni, Qom: Majma' al-Zakayer Islamic. **[In Persian]**
- Eti'zad al-Saltaneh, A. Q. M. (1395 SH). *Eksir al-Tawarikh (The History of the Qajar Dynasty from the Beginning to 1259 AH)*, With the Effort by Jamšid Kianfar, Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Ezz al-Dawlah and Malkonov, Abdol Samad (1363 SH). *Travelogue of Iran and Russia "Northern Regions of Iran"*, Ed. by Moḥammad Golbon and Faramarz Ṭalebi, Tehran:

- Donyayeh Kitab. **[In Persian]**
- Fraser, J. B. (1364 SH). *Fraser's Travelogue Known as the Winter Journey: From the Border of Iran to Tehran and Other Cities of Iran*, Tr. and Annotated by Manouchehr Amiri, Tehran: Toos. **[In Persian]**
 - Ghorkhanchi, Moḥammad Ali (1360 SH). *Nakhbeh Seyfiyeh: In the history and geography of Astarabad, including the Bayaz family and the Anfas of the Astarabad kingdom, with all the belongings and Turkmen folk songs of 1249 AH (Solat Nizam)*, Co. by Alexander Śudzko, With the Efforts of Manşoureh Athayhadeah (Nizām Mafi) and Sirous Sa'dvandian, Tehran: History of Iran. **[In Persian]**
 - Gobineau, Ž. A. (1386 SH). *The Turkmen War*, Tr.by Moḥammad Ali Jamalzadeh, Tehran: Soḵan. **[In Persian]**
 - Goli, A. (1366 SH). *A Journey in the Political and Social History of the Turkmens*, Tehran: Alm. **[In Persian]**
 - Gregor, K. C. M. M. (1366 SH). *A Journey to the Province of Khorasan and Northwest Afghanistan*, Tr. by Majid Mehdizadeh and Asadollah Tavakoli Ṭabasi, Tehran: Qods Rażavi. **[In Persian]**
 - Haperk, P. (1379 SH). *The Great Game: The Operations of Russian and British Intelligence Agencies in Central Asia and Iran*, Tr. by Reza Kamšad, Tehran: Niloufar. **[In Persian]**
 - Hedayat, R. Q. (1385 SH). *The Embassy of Khorezm, Ed. by Jamšid Kianfar*, Tehran: Written Heritage Research Center. **[In Persian]**
 - Inoue, M. (1390 SH). *Travelogue of Iran: A Japanese Traveler in Transoxiana, Iran and the Caucasus (1320 AH/1920 AD)*, Tr. by Hašem Rajabzadeh, With the Collaboration of Kinji Aura, Tehran: Ṭahori. **[In Persian]**
 - Kajbaf A – A, Hadian K. (2011). *Pattern of Crisis Management in Qajar Era Emphatically on the Kurdish High - RanKings Role in Managing Salar's Crisis* . 10, 3. P115-144. 20.1001.1.22286713.1390.3.10.6.3 **[In Persian]**
 - L.-o.-M. Sepehr, M. T. (1390 SH). *Naskh al-Tawarikh*, 1 ed Vol. , Ed. by Jamšid Kianfar, Tehran: Asaṭir. **[In Persian]**
 - Lugašova, B. R. (1359 SH). *The Turkmens of Iran (Historical Research - Anthropology)*, Translators: Sirous Izady and Ḥossein Ṭhavily, Tehran: Shabahang. **[In Persian]**
 - Markham, K. (1367 SH). *History of Iran in the Qajar Period*, Tr.by Mirza Raḥim Farzaneh, With the Effort of Iraj Afšar, Tehran: Farḥang Iran. **[In Persian]**
 - Melgunov, G. V. (1376 SH). *The Southern Shores of the Caspian Sea*, Tr. by Amir Houšang Amini, Tehran: Ketabsara. **[In Persian]**
 - Morady, M. , Šabani Ṭani, Z. (1392 SH), *Captivity of Iranian Pilgrims by Turkmens and the Reaction of the Qajar Government (19th Century)*, Journal of Greater Khorasan Research, No. 13, p 69 to 83. 20.1001.1.22516131.1392.4.13.6.0 **[In Persian]**
 - Morady, M., Šabani Ṭani, Z. (1395 SH), *Investigating the Role of Russia and England in the Turkmen Invasions of Iran (19th Century)*, Journal of Greater Khorasan Research, No.

- 22, pages 63 to 71. 20.1001.1.22516131.1395.6.22.5.5 [In Persian]
- Mozer, H. (1365 SH). *Travelogue of Turkestan and Iran (A Passage through Central Asia)*, Tr. by Ali Motrjem (special translator of Naşer al-Din Şah), with the efforts of Moḥammad Golbon, Tehran: Saḥar. [In Persian]
 - Naşr, S. T. (1363 SH). *Iran in its Encounter with the Colonialists: From the Beginning of the Qajar Dynasty to the Constitutional Monarchy*, Tehran: Iranian Authors and Translators Company. [In Persian]
 - Nouri, M. T. (1368 SH). *Ashraf al-Tawarikh: Events Related to the Government of Mohammad Vali Mirza in Khorasan*, Ed.by Susan Aşili, Tehran: Written Heritage Research Center. [In Persian]
 - Orsel, E. (1382 SH). *Travelogue of the Caucasus and Iran*, Tr. by Ali Aşğar S'aeedi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
 - Pollock, J. E. (1368 SH). *Pollock's Travelogue "Iran and the Iranians"*, Tr. by Kikavous Jahandari, Tehran: karazmi. [In Persian]
 - Qara-Gazlu Hamedani, A. (1371 SH). *Diyar Turkman (Travelogue of the Son of Etemad-ol-Saltaneh)*, Explained by Hossein Şamady, Qaemşahr: [n. p.]. [In Persian]
 - Rabinou, J. L. (1365 SH), *Mazandaran and Astarabad*, Tr. by Qolamali Vaḥid Mazandarani, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
 - Rezaei, A. A. (1394 SH). *The Treasure of Iranian History (Safavids, Afsharis, Zandiyeh and Qajar)*, 12 rd Vol., Tehran: Asim, Paykan. [In Persian]
 - *Three Travelogues of Herat, Marv, Mashhad* (1356 SH), Ed. by Qodratollah Roşani "Z'afaranlu", Tehran: Toos. [In Persian]
 - Saravi, M. F. b. M. T. (1371 SH). *Muhammadi History "Ahsan al-Tawarikh"*, Ed. by Ğolamreza Ţabaţabaei Majd, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
 - Saray, M. (1378 SH). *Turkmens in the Age of Imperialism: A Study of the Turkmen People and the Annexation of Their Country to the Russian Empire*, Tr. by Qadir Virdi Rajaei, Tehran: Qadir Virdi Rajaei. [In Persian]
 - Sarli, A. (1373 SH). *History of Turkmenistan*, 1rd Vol., Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
 - Sayah, H. (1346 SH). *Memoirs of Haj Sayah or the Period of Fear and Terror*, Ed. by Seifollah Golkar, Tehran: Sepehr. [In Persian]
 - Serena, K. (1362 SH). *Madame Carla Serena's Travelogue: People and Rituals in Iran*, Tr. by Ali Aşqar S'eedi, [s.l.]: Zavar. [In Persian]
 - Seyyed Qoţbi, S. M. (1397 SH). *Five Travelogues of Khorasan Written by Journalists of the Qajar and Pahlavi Periods (Edmund Ednawan, Yek Isfahani, Hossein Şajareh, Hassan Hallaj, Asadollah Rahgozar) 1259 – 1332 SH*, Maşhad: Nasim. [In Persian]
 - Şiel, M. L. (1368 SH). *Memoirs of Lady Shiel: Wife of the British Minister-in-Charge in the Early Reign of Naşer al-Din şah*, Tr. by Hassan Abu Torabian, Tehran: Nv. [In Persian]
 - Siham al-Dawla, Y. M. k. (1374 SH). *Travelogues of Siham al-Dawla Bojnourdi*, Ed. by

- Qodratollah Z'faranloo, Tehran: Scientific and Cultural. **[In Persian]**
- Simonich, E. O. (1353 SH). *Memoirs of the Minister of the Grand Chamber from the Treaty of Turkmen Chai to the Battle of Herat*, Tr. by Yahya Arianpour, Tehran: Payam. **[In Persian]**
 - Sykes, P. M. (1363 SH). *Travelogue of General Sir Percy Sykes or Ten Thousand Miles in Iran*, Tr. by Hossein S'adat Nouri, Tehran: Lohe. **[In Persian]**
 - Sykes, P. M. (1391 SH). *History of Iran*, 2rd Vol. , Tr. by Mohammad Taqi Fakr Da'i Qilani, Tehran: Neqah. **[In Persian]**
 - Taheri, A. (1348 SH). *Historical Geography of Khorasan from the Perspective of a World Traveler*, Tehran: Central Council of the Iranian Imperial Celebration. **[In Persian]**
 - Timury, E. (1392 SH). *Political History of Iran In the Qajar Period*, 2rd Vol. , Tehran: Soğan. **[In Persian]**
 - Vambery, A. (1372 SH). *Life and Vambery's Travels: The Sequel to the False Dervish Journey*, Tr. by Mohammad Hossein Aria, Tehran: Scientific and Cultural. **[In Persian]**
 - Vambery, A. (1374 SH). *The False Dervish Journey in the Khanates of Central Asia*, Tr. by Fathali kajehnoorian, Tehran: Scientific and Cultural. **[In Persian]**
 - Watson, R. G. (1354 SH). *History of Iran in the Qajar Period*, Tr. by Golam Ali Vahid Mazandarani, Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
 - Yeat, Ch. E. (1365 SH). *Khorasan and Sistan: Colonel Yeatt's Travelogue to Iran and Afghanistan*, Tr. by Qodrat Allah Rošni Za'franlu and Mehrdad Rahbari, Tehran: Yazdan. **[In Persian]**
 - Zargarinežad, Ġ., Alipour, N. (1388 SH), *Turkmens and Iranian Slavery in the Qajar Era from the Beginning to the Conclusion of the Treaty of Akhal*, Journal of the History of Islam and Iran, No. 2, p 23 to 46. <https://doi.org/10.22051/hii.2014.735> **[In Persian]**
 - Žoubert, P. A. E. P. (1347 SH). *Travels in Armenia and Iran Including a Pamphlet on Gilan and Mazandaran*, Tr. by Ali Qoli E'temad Moqadam, Tehran: Foundation of Culture. **[In Persian]**